



## آیت الله افتخاری

آیت الله آقای حاج شیخ علی افتخاری گلپایگانی، یکی از علمای معروف حوزه علمیه قم بود. فقید سعید در سال ۱۳۴۴ق (۱۳۰۴ش)، در گلپایگان، در بیت علم و حدیث زاده شد. پدرش ثقة الاسلام ملاحیدر آقا فرزند آقاملاحیب بود. وی پس از تحصیلات ابتدایی و دبیرستان، در سال ۱۳۲۰ش به تحصیل علوم دینی در مدرسه علمیه «گوگد» - که توسط آیت الله میرزا هدایت الله وحید تأسیس شده بود - پرداخت و بخشی از ادبیات عرب را آموخت.

او در سال ۱۳۶۵ق، رهسپار حوزه علمیه قم شد و در کمال فقر و تنگدستی، در مدرسه فیضیه ساکن شد و همراه با همدرس و هم حجره خود به دروس استادانی چون: حضرات آیات: حاج آقامهدی حائری یزدی، شیخ علی پناه اشتهاوردی، شهید صدوقی (شرح لمعه)، شیخ احمد غروی سبط (معالم)، حاج شیخ حسینعلی منتظری و شیخ عزیزالله نهاوندی (مطول)، حاج شیخ مهدی مازندرانی (فصول)، مجاهدی تبریزی و شیخ عبدالجواد سدهی و شیخ عبدالرزاق قائینی (رسائل)، سیدحسن مدرسی یزدی (مکاسب)، سلطانی طباطبایی (کفایه)، بهجت فومنی (شرح منظومه) و علامه طباطبایی (تفسیر و اسفار)، حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. او همچنین به درس شرح تجرید آیت الله حاج سیداحمد خوانساری هم رفت و با منطق و حکمت آشنا شد. سپس در سال ۱۳۷۲ق، برای استفاده بیشتر رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف شد و در دروس آیات عظام: سیدجمال الدین گلپایگانی (خارج مکاسب)، میرزا حسن یزدی، آیت الله خویی (اصول)، میرزا باقرزنجانی و حاج شیخ حسین حلی و آیت الله شاهرودی (صلاة و طهارت)، با جدیت حضور یافت و بهره های فراوان برد و این درس ها را با آیت الله شهید حاج شیخ مرتضی بروجردی مباحثه می نمود.

در سال ۱۳۷۵ق به ایران بازگشت و به درس های فقه آیات عظام: آقای بروجردی و آقای گلپایگانی و درس اصول امام خمینی حاضر

شد. بیشتر مباحثات او با حضرات آیات: صابری همدانی، سیدعلی بطحائی و سیدمحمد علم الهدی بود و پس از درگذشت آیت الله بروجردی و تبعید امام خمینی، تنها به درس آیت الله گلپایگانی رفت و آنها را هم تقریر نمود. وی مورد توجه بسیار معظم له بود و چهل سال عضو هیئت استفتاء و بعثه حج ایشان، ممتحن دروس سطوح عالی، عضو اولین و سومین دوره شورای عالی حوزه علمیه قم و مدتی هم به امر امام خمینی، امام جمعه گلپایگان و امام جماعت مسجد بزرگ آیت الله گلپایگانی بود که صدها نفر از علما و فضلا و مردم متدین با کمال اطمینان نفس، بدو اقتدا می کردند و درک جماعتش را فوزی بزرگ می شمردند.

آن مرحوم، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره مدافع نظام و رهبری بود و فرزندش - شهید محیی الدین افتخاری - را هم برای یاری حق، به جبهه های دفاع مقدس گسیل داشت و خود نیز چند بار - ۴ مرتبه - به جبهه های نبرد شتافت و افتخار پدر شهید بودن را هم دریافت. بیش از چهل سفر به حج تمتع داشت و بارها به زیارت عتبات عالیات شتافت و یکی از بااطلاع ترین علمای حوزه علمیه قم، از مسائل پریپیچ و خم حج بود و تمام کتاب های چاپی اش هم درباره حج و عمره است. آیت الله رضا استادی درباره او می نویسد:

«ایشان همیشه مقید بودند که در ایام ماه مبارک رمضان جهت تبلیغ و ارشاد به گلپایگان رفته و در مسجد حجت الاسلام به اقامه جماعت و تبلیغ می پرداختند، که سال ها ادامه داشته است. مدتی هم امام جمعه گلپایگان بودند و فعلاً از مدرسان سطوح عالی هستند و در دو مسجد - ظهر و شب - اقامه جماعت می کنند و نماز جماعت

## آیت الله فقیه امامی

آیت الله آقای حاج سیدحسن فقیه امامی، یکی از مشاهیر علما و فقهای بزرگ اصفهان به شمار می رفت. معظم له در اول صفرالآخر ۱۳۵۴ق (۱۳۱۴ش) در بیت علم و تقوا و فضیلت زاده شد.

پدرش آیت الله حاج سیدعطاءالله فقیه امامی (متوفای ۱۳۸۷ق) - امام جماعت مسجد «باغچه عباسی» و از شاگردان آیات عظام: سیدمحمدباقر درچه ای، سیدمهدی درچه ای، شیخ محمدرضا ابوالمجدد اصفهانی و درنجف اشرف از شاگردان عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقاضیاء عراقی و سیدمحمد فیروزآبادی بوده است، او فرزند عالم بزرگوار حاج میرسیدمحمد (متوفای ۱۳۵۹ق)، فرزند عالم بزرگوار حاج سیدعبدالباقی - بن سیدمیرزبان میرمحمدصادق بن علامه فقیه محدث علامه سیدعلی امامی عریضی - از مشاهیر شاگردان علامه مجلسی و آقا حسین خوانساری و نویسنده آثاری مانند: هشت بهشت، جامع سلیمانی، مجمع البحرین و تذکره امامی - (فرزند میرسیدمحمد مستوفی الاوقاف، بن سیداسدالله، بن میرابوطالب - از علمای عصر شاه طهماسب - بن سیداسدالله، بن شاه حیدر، بن عضدالدین بن امیرحاج، بن شاه علی بن جلال الدین جعفر، بن کمال الدین مرتضی، بن عضدالدین یحیی، بن قوام الدین جعفر بن شمس الدین محمد، بن نظام الدین اشرف، بن قوام الدین جعفر، بن مجدالدین حسن، بن وجیه الدین مسعود، بن قوام الدین جعفر بن شمس الدین محمد، بن زین العابدین ابوالحسن علی، بن نظام الدین احمد ابیح، بن شمس الدین عیسی رومی، بن جمال الدین محمد بن ابوالحسن علی عریضی، بن الامام جعفر الصادق علیه السلام بوده است.

وی در شانزده سالگی (۱۳۷۰ق) تحصیل علوم دینی را نزد پدر بزرگوارش آغاز کرد و سپس ادبیات را نزد ایشان و مرحوم میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی و پس از آن سطوح را نزد آیات بزرگوار: شیخ عباسعلی ادیب (مختصر و شرح منظومه) شیخ محمدحسین فقیه (معالم)، شیخ محمدحسن نجف آبادی (شرح لمعه)، سیدمحمد هاشمی (قوانین)، سیدمرتضی موحد ابطحی (علم طب)، شیخ مجدالدین نجفی (هیئت و نجوم) و سطوح عالیه را هم از آیات عظام: شیخ علی قدیری (رسائل)، حاج آقا حسین خادمی (مکاسب)، شیخ احمد فیاض (جلد اول کفایه) و سیدعلی اصغر برزانی (جلد دوم کفایه)، و شیخ علی مشکاة فرا گرفت و پس از آن به مدت پانزده سال از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: حاج میرسیدعلی موسوی بهبهانی و حاج آقا حسین خادمی بهره مند شد و مبنای علمی اش را استوار ساخت.

او به تدریس علاقه بسیار داشت و روزانه به تدریس منظم سطوح عالیه، تفسیر، رجال و عقاید می پرداخت و شاگردان فراوانی

ایشان از شکوه خاصی برخوردار است و همواره مورد احترام خاص حوزویان بوده اند.

آن مرحوم از علما و مراجع گذشته و حال، مانند آیات عظام: حکیم، گلپایگانی، اراکی، سیدجمال گلپایگانی و سیدعبدالهادی شیرازی، بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی، روحانی و منتظری اجازه حسبیه و روایت داشت. او خود می نویسد:

«باید بگویم که ایام عمر سرآمد و چیزی از نسیم انسانیت و آدمیت استشمام نکردم. عمرم در غفلت و گناه سپری شد و اگر نباشد فضل و رحمت الهی، گرفتار عقوبت خواهم بود. هفتاد سال عمر کردم - روزهای آخر سال ۱۳۷۴ ش - و من روسیاه هفتاد روز هم اطاعت ندارم، چه رسد به هفتاد سال.»

آثار و عبارتند از:

الف) کتاب های چاپی:

۱. آراء المراجع فی الحج؛
۲. قبل از حج بخوانید؛
۳. حج الانبیاء والائمة؛
۴. الحج والعمرة و معرفة الحرمین؛
۵. احکام عمره؛
۶. تقریرات درس فقه آیت الله بروجردی (صلاة، در حال چاپ).

ب) کتاب های غیر چاپی

۱. تقریر درس اصول امام خمینی؛
۲. تقریر درس فقه آیت الله گلپایگانی (خيارات مکاسب و حج در ۳ ج، که آیت الله گلپایگانی آن را به خط خودشان تصحیح کرده اند)؛
۳. تقریر درس تفسیر علامه طباطبایی؛
۴. تقریر درس اصول آیت الله بروجردی (قاعده فراغ و تجاوز)؛
۵. تفسیر آیات الامثال قرآن کریم؛
۶. خطبه های جمعه (۴ جلد برای ۴ سال نماز جمعه)؛
۷. زندگی امام غایب (عج)؛
۸. رساله هایی درباره شب و روز ماه مبارک رمضان؛
۹. زندگی دوازده امام علیهم السلام (چند رساله).

سرانجام آن عالم بزرگوار، در روز یکشنبه اول اسفند ۱۳۸۹ش (۱۶ ربیع الاول ۱۴۳۲ق) در ایام زیارتی مخصوصه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در ۸۴ سالگی در سفر زیارتی عتبات عالیات در کاظمین، پس از زیارت قبور مطهر کاظمین علیهم السلام بدرود حیات گفت. پیکر پاکش به نجف اشرف انتقال داده شد و پس از طواف مرقد مقدس امیرالمؤمنین و نماز حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن جواهری بر آن، در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد و مراسم تجلیل از مقام علمی اش تا مدتی ادامه یافت.

۷. تکمیل و ناماسازی مدرسه عَرَبان (مدرسه آیت الله خادمی)؛
  ۸. تجدید بنا و توسعه مدرسه خالصیه؛
  ۹. تعمیر و بازسازی مدرسه کاسه‌گران (نزدیک مسجد جامع اصفهان)؛
  ۱۰. تعمیرات مدرسه میرزا حسین (واقع در بازارچه بیدآباد)؛
- و همچنین تعمیر و بازسازی مدرسه ثقة الاسلام، مدرسه نوریه، مدرسه الماسیه، مدرسه میرزا حسن و مدرسه درب کوشک.

آن مرد بزرگ، کوشش بسیار در دستگیری از نیازمندان و یاری مستمندان، همکاری مداوم با مؤسسات خیریه، مانند: انجمن خیریه حضرت ابوالفضل (ویژه پیوند کلیه)، سازمان آموزشی و درمانی ابابصیر (ویژه روشندان)، انجمن مددکاری امام زمان، صندوق قرض الحسنه ابوالفضل المهدی، آزمایشگاه رادیولوژی مهدیه و ساخت و تهیه مسکن برای طلاب و فضلالی اصفهان داشت.

آثار او عبارتند از:

#### الف) کتاب‌های چاپی

۱. صراط مستقیم؛
۲. فتنه‌ها از کجا آغاز می‌شود؟؛
۳. مباحثی پیرامون بهائیت؛
۴. آیا فهم قرآن آسان است؟؛
۵. نقش عقل در احکام الهی؛
۶. پاسخ به شبهات پیرامون خمس (۲ جلد).

#### ب) کتاب‌های غیر چاپی

۱. تفسیر سوره یوسف؛
۲. فلسفه حج؛
۳. ایدئولوژی اسلام؛
۴. شرح زندگی و خاطرات؛
۵. امامت؛
۶. تنظیم العروة الوثقی؛
۷. رساله در هیئت (تقریر درس مرحوم مجد العلماء).

#### ج) اهتمام در چاپ و نشر

۱. مطالع الانوار (سید محمد باقر شفتی، ۶ جلد)؛
۲. الرسائل الرجالية (مرحوم حجت الاسلام شفتی)؛
۳. ترجمه منهج الرشاد (شیخ جعفر کاشف الغطاء)؛
۴. جامع الشواهد (ملا محمد باقر شریف)؛
۵. اللؤلؤ الغالية فی اسرار الشهادة (ملا بوطالب حسینی قائینی)؛
۶. فلسفه احکام (ملا احمد اهتمام)؛
۷. یادگاری از خطبای پیشین (میر محمد حسین امامی عریضی - قوام المحدثین).

پرورش داد. او، از آیات محترم: مرعشی نجفی، محمد باقر موحد ابطحی، محمد علی روضاتی، صافی گلپایگانی و فاضل لنکرانی اجازه روایت حدیث داشت و دارای کتابخانه‌ای بزرگ و نفیس با نسخه‌های خطی بسیار بود که فهرست نسخه‌های خطی آن را دوست محترم آقای سید صادق حسینی اشکوری نگاشته و به چاپ رسیده است.

آن عالم بزرگوار، علاوه بر تدریس و تألیف و اقامه جماعت (هر سه وعده: صبح در مسجد النبی، ظهر در مسجد الکریم و شب در مسجد امامی)، تمام عمر پربارش را به احیاء و عمران و آبادی مساجد و مدارس، چاپ کتاب‌های عالمان و فقیهان پیشین، مبارزه با گمراهان و منحرفان (بهائیت، منحرفان از ولایت، وهابی مسلکان) پرداخته است. ایشان نقش مؤسس و مدیر و اشراف بر شبکه جهانی ماهواره‌ای «سلام» را داشت و بسیاری از مدارس اصفهان را رونق داد. که عبارتند از:

۱. تجدید بنای سه طرف جنوبی، شمالی و شرقی مدرسه ذوالفقار و تکمیل طرف غربی آن؛
۲. تأسیس و تجدید بنای مدرسه محمدیه (در سه طبقه)؛
۳. بنیاد مدرسه جوادیه - متصل به مدرسه محمدیه - (در چهار طبقه)؛
۴. تعمیر بنیادین مدرسه امامیه (نزدیک چهارراه ابن سینا، در مجاورت قبر بابا قاسم)؛
۵. تجدید بنای مدرسه الغدیر؛
۶. تعمیر و بازسازی مدرسه نیم‌آور؛



سرانجام، آن عالم و فقیه بزرگوار و خدمتگزار در صبح روز یکشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۸۹ ش (اول ربیع الثانی ۱۴۳۲ ق) در ۷۴ سالگی بدرود حیات گفت و با اعلام خبر وفاتش، حوزه علمیه اصفهان تعطیل و سایه حزن و ماتم بر شهر افکنده شد. پیکر پاکش، صبح روز دوشنبه با حضور ده‌ها هزار نفر تشییع و پس از پیمودن مسیر طولانی - ۲۰ کیلومتر - اصفهان تا خوراسگان و بعد از نماز حضرت آیت الله حاج سید محمد باقر موحدابطحی در امامزاده ابوالعباس، در کنار مرقد برادر بزرگوارش مرحوم آیت الله حاج آقا احمد فقیه امامی (متوفای ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۱۴ ق) به خاک سپرده شد و در غم فقدانش، پیام‌های تسلیت بسیار از سوی مراجع معظم تقلید و رهبرانقلاب و شخصیت‌ها و نهادها صادر شد. رهبرانقلاب در پیام خویش فرمودند:

### بسم الله الرحمن الرحيم

رحلت عالم فقیه و بزرگوار، مرحوم آیت الله آقای حاج آقا حسن امامی رحمته را به مردم عزیز و مؤمن اصفهان خصوصاً حوزه علمیه و علمای اعلام و ارادتمندان آن مرحوم و بالاخص به خاندان و آقازادگان مکرم ایشان تسلیم می‌گویم. در مدت بیش از پنجاه سال دوستی و رفاقت با این عالم بزرگوار، وفاداری و صداقت و دعای دلسوزانه ایشان برای این جانب سرمایه‌ای مغتنم بود. خداوند روح ایشان را با اجداد طاهرنشان محشور فرماید و مشمول غفران و رحمت خود نماید.

### سید علی خامنه‌ای

و آیت الله العظمی صافی گلپایگانی هم فرمودند:

### بسم الله الرحمن الرحيم

ثلمه جبران ناپذیر ارتحال عالم ربانی و مدافع مقام ولایت ائمه طاهرين عليهم السلام حضرت آیت الله آقای حاج سید حسن فقیه امامی - رضوان الله علیه - موجب تأثر و تأسف شدید گردید. آن عالم بزرگوار، یکی از ستاره‌های درخشان علم و عمل و اخلاق و ادب و جهاد فی سبیل الله بود، که در عمر بابرکت خود، منشأ خدمات و برکات فراوان بود. آن فقیه سعید، مدافع سخت‌کوش مذهب و مروج مخلص مکتب اهل بیت عليهم السلام و خادم بااخلاص آستان مقدس حضرت بقیة الله الاعظم (ارواح العالمین له الفداء) بود و ملجأ و ملاذ مردم به شمار می‌رفت.

خدمات آن عالم بزرگوار علاوه بر حوزه کهن سال اصفهان و تربیت فضلا و ارتقای علمی طلاب، در سایر علوم اسلامی و اجتماعی مانند تأسیس مراکز علمی و خیریه، همه ستودنی و موجب محبوبیت ایشان بود. در دفاع از حدود و ثغور

مذهب و امر به معروف و نهی از منکر و تعظیم شعائر و مبارزه با فرقه‌های ضاله نیز شخصیتی تلاشگر و موفق بود. فقدان این عالم عالی مقام و دلسوز، ضایعه‌ای بزرگ برای حوزه علمیه کهنسال اصفهان و مردم پاک‌نهاد و ولایی آن شهر می‌باشد. اینجانب، این ضایعه بزرگ را به ساحت مقدس حضرت بقیة الله الاعظم و به حضرات علمای اعلام و آیات بزرگوار و روحانیت و الامقام اصفهان و مردم مذهبی آن شهر و به ویژه به بیوت علمی وابسته و به بیت شریف آن فقید سعید... تسلیت گفته و برای روح بلند آن عالم بزرگوار ترفیع درجات و برای بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل از خداوند متعال مسئلت دارم.

## آیت الله حکیم

آیت الله آقای حاج سید محمد علی طباطبایی حکیم، یکی از مشاهیر علمای نجف بود. فقید سعید، در سال ۱۳۲۹ ق، در نجف اشرف، در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد حکیم (متوفای ۱۳۵۰ ق) و مادرش صبیئه آیت الله سید مهدی طباطبایی حکیم (متوفای ۱۳۱۲ ق) و خواهر مرجع تقلید شیعیان جهان، آیت الله العظمی سید محسن حکیم بوده است.

معظم له، در نوجوانی ادبیات را نزد مرحوم سید محمد امین صافی و سید محمود حکیم (عموی مادرش) و سطوح عالی‌ه رانزد حضرات آیات: دایی اش سید محسن حکیم، میرزا حسن بجنوردی، شیخ محمد رضا کاشف الغطاء و شیخ عبدالحسین حلی فرا گرفت و در کنار آن با علوم جدید مانند حساب و هندسه، شیمی و فیزیک، هیئت و نجوم، تاریخ و جغرافیا هم آشنا شد و در آنها به کمال چیرگی و مهارت دست یافت. پس از آموختن سطوح، به دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: آقاضیاء عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، سید محسن حکیم، شیخ حسین حلی حاضر شد و با کمال تلاش و کوشش، به درجه اجتهاد نایل آمد و همزمان به تدریس و تألیف هم پرداخت.

او، در مرجعیت دایی بزرگوارش، آیت الله العظمی حکیم، نقشی فعال بر عهده داشت و بسیاری از مشکل‌ها را با درایت و حسن تدبیرش حل می‌کرد؛ از جمله آنها حل مشکلات شیعیان هند و پاکستان در سال ۱۳۸۵ ش و حل اختلافات و ایجاد محبت و دوستی بین سران آنان بود.

همچنین در اثر تبحر در ریاضیات و هیئت و نجوم، از سوی آیت الله حکیم مأمور به تشخیص دقیق قبله حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام شد که با تحقیقاتش، روشن شد که قبله حرم و مساجد نجف، اندکی به سمت راست انحراف دارد. او همچنین مباحث ارث را مطابق فرمول‌های ریاضی نگاشت و آنها را با ریاضیات جدید، تطبیق کرد.

«منتدی النشر» با مرحوم علامه شیخ محمدرضا مظفر، کمال مساعدت و یاری را مبذول داشت و در مبارزه با رژیم ستمگر بعث عراق هم از هیچ کوششی فروگذار نکرد و از امضای اعلامیه بر علیه جمهوری اسلامی و شرکت در سمینار جنگ بر علیه ایران، امتناع کرد و تمام مخاطرات و دشواری‌ها را به جان خرید. ایشان در شب ۲۶ رجب ۱۴۰۳ق همراه با تمام خاندان آیت الله العظمی حکیم دستگیر و به زندان‌ها و سیاه‌چالها انتقال داده شد و پس از اعدام و شهادت گروه بسیاری از آنان و تحمل مدتی اسارت، به علت پیری و کهنلت سن، از زندان آزاد شد، ولی در خانه‌اش تحت نظر و حبس خانگی قرار گرفت، تا پس از سقوط صدام، از خانه بیرون آمد و آزاد شد. آن عالم بزرگ، به شرف دامادی دایی‌اش آیت الله حکیم نایل آمد و فرزندان او چون: حضرت آیت الله العظمی سید محمدسعید حکیم (متولد ۱۳۵۳ق) و حضرات آقایان: سید محمدتقی حکیم، مرحوم سید عبدالرزاق حکیم، شهید سید محمدحسین و سید محمد صالح حکیم از او بر جای مانده است.



وی، عالمی خلیق و متواضع و ساده زیست بود. اخلاق، اخلاص و تدین او در حوزه نجف، زبازد همگان بود. در محیط خانواده هم بامحبت و صفا زندگی می‌کرد و از محول کردن کارهایش به دیگران - حتی همسر، فرزندان و نوادگانش - دوری می‌کرد و تا می‌توانست، خود کارهایش را انجام می‌داد. خشم خود را فرو می‌خورد و رضایش را نمایان می‌کرد و در یاری و دستگیری بیماران و نیازمندان و رفع مشکل طلاب غریب و بی‌پناه سراز پای نمی‌شناخت و از بذل جاه و مال و مقامش در این راه، دریغ نداشت.

تألیفات وی عبارتند از:

۱. تقریرات درس اصول آیت الله شیخ محمدحسین اصفهانی؛
۲. تقریرات درس فقه آیت الله العظمی حکیم؛
۳. حاشیه بر کفایة الاصول؛
۴. حاشیه بر رسائل؛
۵. بحوث فی تفسیر القرآن؛
۶. رسالة فی الوقت والقبلة؛
۷. رسالة فی الهيئة؛
۸. رسالة فی علوم الرياضیات؛
۹. رسالة فی تحديد المثقال الشرعی؛
۱۰. کتاب المیراث (وفق الرياضیات الحدیثة).

سرانجام، چراغ عمر آن بزرگوار در ۱۰۳ سالگی، در روز جمعه ۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۲ق (۶ اسفند ۱۳۸۹ش) خاموش شد و پیکر پاکش در روز یکشنبه ۲۳ ربیع الاول، پس از تشییع باشکوه و نماز فرزندش آیت الله العظمی سیدسعید حکیم بر آن، در مقبره «خاندان حکیم» در کنار مسجد هندی، به خاک سپرده شد. در سوگ فقدان، پیام‌های تسلیت فراوان از سوی مراجع معظم تقلید و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی ایران و عراق صادر شد.

وی، تا پایان زندگی‌اش دارای حافظه‌ای قوی و شگفت بود و از نواد عمرش و اطلاعات علمی‌اش بازگویی کرد. طلاب و دانشجویمان، نزدش آمده و از مطالب علمی‌اش - چه در علوم دینی و چه در جبر و هندسه و ریاضیات - بهره‌ها می‌بردند.

سالیان فراوان به تدریس ادبیات و سطوح عالی و خارج فقه و اصول پرداخت و شاگردانی چون حضرات آیات: سیدمحمدسعید حکیم، سیدمحمدتقی حکیم، شهید سیدمهدی حکیم، شیخ محمدعلی عمروی، سید محمدجواد فضل‌الله، شهید سیدعلاءالدین بحرالعلوم، شهید سیدعزالدین بحرالعلوم، شهید سیدجعفر بحرالعلوم، شهید شیخ احمد سماوی، شهید سیدعبدالصاحب حکیم، دکتر مهدی مخزومی، دکتر عبدالرزاق محیی‌الدین شهید سیدعبدالوهاب حکیم، سید علی فضل‌الله، شیخ سلیمان یحیوفی و بسیاری دیگر را پرورش داد.

اوسال‌ها در مسجد «هندی» اقامه نماز جماعت می‌کرد و بسیاری از علما و فضلا بدو اقتدا می‌کردند. هر شب جمعه برای زیارت حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام به کربلا مشرف می‌شد و در اواخر عمرش - که قادر بر راه رفتن نبود - سوار بر صندلی چرخدار در مراسم زیارت، شرکت می‌کرد. در نجف اشرف هم، مجالس عزای اهل بیت را در خانه خود اقامه می‌کرد و در مجالس دیگران هم شرکت می‌نمود. در تأسیس

اسلامی، دوتن از فرزندانش - شهید محسن و شهید محمدعلی - هم به خیل شهیدان انقلاب اسلامی پیوستند.

وی برای تدریس خارج فقه و اصول، چند سال هم به سوریه (حوزه علمیه زینبیه) و لبنان (بعلبک) رفت و پس از سقوط نظام بعث عراق و سرنگونی صدام (اردیبهشت ۱۳۸۲/۲۰۰۲ م) به کربلا رفت و در بالاسر حرم امام حسین (علیه السلام) به اقامه جماعت (سه وعده) و تدریس (در پایین پای شهدا) پرداخت، تا آنکه آن هم تعطیل شد و در نجف اشرف سکونت گزید.

آثارش عبارتند از:

۱. زبدة الاحکام؛
۲. مناسک الحج؛
۳. احیاء الموات (تقریرات درس فقه مرحوم شهید صدر)؛
۴. مبحث القطع (تقریر درس اصول آیتالله صدر)؛
۵. حاشیه بر منهاج الصالحین (غیرچاپی)؛
۶. کتاب القضاء (غیرچاپی).

آن عالم بزرگوار، سرانجام در پی بیماری و عمل جراحی، در ۷۴ سالگی در قم درگذشت و پیکر پاکش در روز سه شنبه ۱۸ ربیع الاول ۱۴۳۲ق (۳ اسفند ۱۳۸۹ش) تشییع و پس از نماز آیتالله سیدکاظم حائری بر آن، در یکی از حجره‌های صحن بزرگ حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) به خاک سپرده شد.

## دکتر گرجی

دانشمند بزرگوار، عالم پرمایه، بلندپایه، چهره ماندگار و استاد پرافتخار مرحوم دکتر ابوالقاسم گرجی، یکی از استادان دانشگاه تهران و از مفاخر علوم فقه بود.

معظم له، در سال ۱۳۴۰ق (۱۳۰۰ش)، در تهران زاده شد و پس از تحصیلات نخستین، به تحصیل علوم دینی روی آورد. پس از فراگیری ادبیات نزد مرحوم آقاسیدمحمد قصیر و آقا شیخ محمدحسین بروجرودی، به تحصیل فلسفه و عرفان نزد مرحوم آیتالله حاج شیخ محمدعلی شاه‌آبادی و آیتالله شیخ ابراهیم امامزاده زیدی پرداخت و سطوح عالی را نزد مرحوم آیتالله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی آموخت. رسائل و مکاسب و قوانین و کفایه را همراه با دوست و رفیق مهربانش مرحوم حاج میرزا علی آقا فلسفی، نزد والد ایشان فرا گرفت و پس از آن نزد مرحوم تنکابنی به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت و در خلال تحصیل، به تدریس ادبیات و سطوح و منطق هم پرداخت. وی در سال ۱۳۲۲ش به تشویق آیتالله تنکابنی همراه با دوست هم‌بحثش آیتالله میرزا علی آقا فلسفی، رهسپار نجف اشرف شد و در دروس آیات عظام:

## آیتالله انصاری اراکی

حضرت آیتالله آقای حاج شیخ محمدابراهیم انصاری اراکی، یکی از علمای کربلا بود.

فقید سعید در دهم فروردین ۱۳۱۵ش (۱۳۵۵ق)، در اراک، در بیت علم و تقوا زاده شد. پدرش مرحوم حجت الاسلام شیخ موسی (فرزند حجت الاسلام شیخ علی اصغر، فرزند حجت الاسلام حاج ملاعلی اکبر انصاری کهرودی) بود. وی نخست مقدمات و ادبیات و سطوح را در زادگاهش فرا گرفت و پس از آن در حدود ۱۳۷۲ق به حوزه علمیه قم آمد و سطوح عالی را از استادانی همچون: اعتمادی و سلطانی طباطبایی فرا گرفت و پس از آن در دروس خارج آیات عظام: آقای بروجرودی، امام خمینی و آقای گلپایگانی و درس تفسیر علامه طباطبایی حاضر شد و سپس در سال ۱۳۸۰ق (۱۳۴۰ش) رهسپار نجف اشرف شد و در درس‌های آیات عظام: آقای حکیم و آقای خویی و بیش از همه به درس‌های فقه و اصول و فلسفه (اسفار) آیتالله شهید سیدمحمدباقر صدر حاضر شد و تقریرات درس ایشان را هم نگاشت و مورد توجه فراوان استادش قرار گرفت. پس از مهاجرت امام خمینی به نجف، در درس خارج مکاسب معظم له نیز حاضر شد و بهره‌های فراوان برد. وی در سال ۱۳۵۰ش، همزمان با اخراج ایرانیان از عراق، به قم آمد و به تدریس، تألیف و تبلیغ دین پرداخت و در ایام دفاع مقدس نیز، خود و فرزنداناش به جبهه‌های نبرد شتافتند و در راه یاری اسلام و نظام جمهوری





سید عبدالهادی شیرازی، شیخ محمدعلی کاظمی خراسانی، شیخ محمدکاظم شیرازی و بیش از همه در درس‌های آیت‌الله العظمی خوبی شرکت کرد و علاوه بر تحصیل، به تدریس سطوح عالی - رسائل و مکاسب و کفایه - اشتغال ورزید و از تنی چند از استادانش و آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء اجازه اجتهاد دریافت کرد. مرحوم آیت‌الله خوبی در رمضان المبارک ۱۳۷ ق طی نامه‌ای به آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی می‌نویسد:

«حقیقة چشم حضرتعالی واحقر و عموم مسلمین با این آقازاده محترم و همدوش محترمش حجت‌الاسلام آقای آقامیرزا ابوالقاسم ایده‌ماالله تعالی روشن است. گرچه نسبت به حضرتعالی بیان مقام آن دو نور چشمی شاید بی‌محل باشد ولی از باب شکرانه نعمت عرضه می‌دارم که بحمدالله تعالی موفق شدم در حوزه بحث خود مثل این دو جوان فاضل دیدم که در سن جوانی، مرتبه اجتهاد را حائز و از استنباط احکام شرعیه متمکن می‌باشند».

مرحوم استاد، در سال ۱۳۳۰ ش (۱۳۷۰ ق) به تهران بازگشت و در مدرسه مروی و مدرسه حاج ابوالفتح به تدریس سطوح عالی پرداخت. در ۱۳۳۲ ق، وارد دانشکده هیات دانشگاه تهران شد و در ۱۳۳۸، دوره دکترا را به پایان رسانید و در سال ۱۳۴۲، موفق به اخذ درجه دکترای فلسفه با درجه ممتاز گردید. از آن سال به بعد به تدریس در دانشکده ادبیات، دانشکده هیات و دانشکده حقوق و علوم سیاسی پرداخت و در سال ۱۳۶۱ هم ریاست دانشگاه تهران را پذیرفت. او در این سال‌ها به تدریس، تألیف، شرکت در کنگره‌های داخلی و خارجی و ایراد سخنرانی پرداخت و انبوهی از کارهای تألیف و تحقیق و ترجمه از خود به یادگار نهاد. استاد، تا پایان عمرش و با اینکه از لباس روحانیت خارج شده بود، فکرش فقه و اصول بود و فقهی می‌اندیشید و می‌نوشت و می‌گفت. مناعت طبع داشت و از حق دفاع می‌کرد و در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ از ولایت فقیه در محیط دانشگاه در برابر مخالفان، دفاع می‌کرد.

آثار دکتر گرجی عبارتند از:

#### الف) کتاب‌های چاپی

۱. آیات الاحکام (حقوقی و جزائی)، تهران: میزان، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵ ش؛
۲. ادوار اصول فقه، تهران: میزان، ۱۳۸۵ ش؛
۳. تأثیر منطق در علم اصول، تهران؛
۴. نگاهی به تحول علم اصول و مقام آن در میان علوم دیگر که به زبان عربی، توسط محمدعلی آذرشب به نام «نظرة فی تطور علم الاصول» ترجمه شده است، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۶۱ ش؛
۵. ترجمه و تلخیص «عدة الاصول» مشهده، دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۴ ش؛
۶. تاریخ فقه و فقهها، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۴ ش؛
۷. مقالات حقوقی (۲ ج)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۸ ش؛

۸. شیخ انصاری و شک در مقتضی، قم: کنگره شیخ انصاری، ۱۳۷۳ ش؛
۹. صرف و نحو (با همکاری دیگران)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ ش؛
۱۰. دیات در اسلام (با همکاری)، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ ش؛
۱۱. حدود و تعزیرات و قصاص (با همکاری روشن علی شکاری و حسین فریان)، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ ش؛
۱۲. دایرة المعارف زن ایرانی (با همکاری دیگران)، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ۱۳۸۳ ش؛
۱۳. تحقیق کتاب «جوامع الجامع» امین الاسلام طبرسی (۴ جلد)، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ ش؛
۱۴. تحقیق کتاب «الذریعة الی اصول الشریعة»، سید مرتضی (۲ جلد)، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ و ۱۳۴۸ ش؛
۱۵. تحقیق کتاب «خلاف» شیخ طوسی، بخش معاملات، تهران، ۱۳۴۴ ش؛
۱۶. تحقیق و تعلیق و حواشی اضافات بر «تاریخ اسلام» دکتر محمدابراهیم آیتی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ ش؛
۱۷. مجموعه مقالات (فقهی، اصولی، حقوقی و تاریخ و تراجم)؛
۱۸. مقالات دانشنامه ایران و اسلام (چهل مقاله در شرح حال علما و دانشمندان اسلامی)؛
۱۹. ترجمه جزء چهارم «جوامع الجامع»، تهران: سمت، ۱۳۷۹ ش.

#### ب) کتاب‌های غیرچاپی

۱. فروغ عالم رحمانی (سیره معصومین)؛
۲. دوره مفصل علم اصول؛

می‌رسید. عابد، زاهد و به دور از خودنمایی و شهرت و دنیاطلبی بود. او در عین حال که استاد «کلیة الفقه» بود، اما پس از تدریس خود، به مغازه عطرفروشی پدرش می‌آمد و به پدرش کمک می‌کرد. وی تمام دوره «جواهر» و «حدائق» و «وسائل» را به دقت خوانده بود و یک دوره کامل فقه را - به شکل خاص - نگاشته بود. درباره وی، کتاب الدكتور محمود البستانی مفکر اسلامی به قلم شیخ محمد ساعدی، در ۲۲۰ صفحه، و در سال ۱۴۲۴ ق نگاشته شده است.

تألیفات وی، عبارتند از:

۱. المناهج النقدية في نقد المعاصرين (رساله دکتورا)؛
  ۲. في النظرية النقدية؛
  ۳. النقد الادبي في العراق؛
  ۴. دراسات فنية في التعبير القرآني؛
  ۵. دراسات فنية في قصص القرآن (به فارسی ترجمه شده است)؛
  ۶. دراسات في علم النفس الاسلامي (۲ ج)؛
  ۷. القواعد البلاغية في ضوء المنهج الاسلامي؛
  ۸. تاريخ الادب العربي في ضوء المنهج الاسلامي؛
  ۹. الاسلام والفن؛
  ۱۰. الاسلام وعلم النفس (به فارسی بنام اسلام و روانشناسی ترجمه شده است)؛
  ۱۱. الاسلام وعلم الاجتماع؛
  ۱۲. تحقيق كتاب «المراسم العلوية»، سالار ديلمی؛
  ۱۳. مقدمه بر «منتهی المطلب» علامه حلی، مشهد؛
  ۱۴. مقدمه بر «الدروس الشرعية»، شهید اول، مشهد؛
  ۱۵. دوره کامل فقه (مخطوط).
- وی پس از عمری ۶۶ ساله، در شهر قم، در ۱۶ ربیع الثانی ۱۴۳۲ ق (۱ فروردین ۱۳۹۰ ش) چشم از جهان فرو بست و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت الله سید مرتضی موسوی اصفهانی به نجف اشرف انتقال داده شد و در وادی السلام به خاک سپرده شد.

## آیت الله غروی قزوینی

آیت الله آقای حاج شیخ محمد غروی سراجی قزوینی، یکی از علمای پرتلاش حوزه علمیه قم بود. فقید سعید در ذیحجه الحرام ۱۳۴۵ ق (۱۳۰۵ ش) در نجف اشرف، در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد اسماعیل غروی قزوینی (م ۱۳۷۰ ق)، از شاگردان آیات عظام: فاضل شربانی و سید محمد کاظم یزدی و از خطبای مشهور بود که از او کشکول برجای مانده است.

برادرش هم حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد حسن سراجی

۳. حقوق اسلامی؛

۴. رساله در صلاة؛

۵. رساله در مکاسب؛

۶. رساله در عقود و ایقاعات؛

۷. رساله در قاعده فراغ و تجاوز؛

۸. مجموعه مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها.

سرانجام، آن استاد بی‌همانند، پس از چند سال بیماری، در ۹۰ سالگی، در روز یکشنبه ۸ اسفند ۱۳۸۹ ش (۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۲ ق) چشم از جهان فرو بست و پیکرش روز سه‌شنبه ۱۰ اسفند از مسجد دانشگاه تهران تشییع و در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام به خاک سپرده شد.

## دکتر بستانی

ادیب دانشمند و شاعر نقاد اندیشمند دکتر محمود بستانی، یکی از ادبا و شعرای معاصر عراق بود. فقید سعید در سال ۱۹۳۷ م (۱۳۶۶ ق) در نجف اشرف، در خانه مرحوم عبدالحسین ابوالریح، از دوستان باوفا و مخلص علامه امینی، زاده شد. پس از تحصیلات دبیرستان، به دانشگاه قاهره رفت و در سال ۱۳۹۲ ق، دکترای خود را در رشته نقد ادبی از آنجا دریافت کرد و به نجف اشرف بازگشت و در «کلیة الفقه» به عنوان استاد ادب عربی و نقد ادبی انتخاب شد و همزمان به تحصیل فقه و سرودن اشعار و قصاید و تألیف کتب فنی در نقد ادبی و روانشناسی، همچون: علم النفس الاسلامی - که در برخی رشته‌های دانشگاهی تدریس می‌شود - پرداخت و از تمام وقتش در تألیف و تدریس و مطالعه بهره برد. ایشان از متفکران، اندیشمندان و نویسندگان مشهور در علمی مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی، ادب عربی، نقد ادبی، تفسیر و بلاغت قرآنی به شمار می‌آمد. اشعار و مقالاتش در مجلات ایران و عراق به چاپ





که او را از سالیانی که فراوان به محضر حجت تاریخ علامه امینی می‌آمد، می‌شناختم».

او در پی علم و دانش می‌رفت و جستجو می‌کرد. زمانی از من، قضیه شعر «به ذره گر نظر لطف بوتراب کند. به آسمان رود و کار آفتاب کند» را می‌پرسید و از من می‌خواست تا آن را برایش بنویسم. ایشان پس از شروع درس تفسیر آیت الله وحید خراسانی در روزهای چهارشنبه با وجود کهولت سن، هر هفته حاضر می‌شد.

آثار ایشان عبارتند از:

### الف) کتاب‌های چاپی

۱. الامثال النبویه (جلد ۲)؛
۲. الامثال والحکم المستخرجة من نهج البلاغه، کتاب سال در سال ۱۳۶۴ ش؛
۳. الامثال والحکم المستخرجة من کلمات الامام الرضا (جلد ۲)؛
۴. امثال وحکم الامام الکاظم وکلماته المختارة (جلد ۳)؛
۵. المختار من کلمات الامام المهدي (جلد ۳)؛
۶. السلام فی القرآن والحديث؛
۷. الاسم الاعظم او معارف البسملة والحمدلة؛
۸. الشيخ المفيد والتوقعات الصادرة من الناحية المقدسة بين الاخذ والرّد؛
۹. تحقیق: رساله فی ذبائح اهل الكتاب (نوشته شیخ مفید).

### ب) کتاب‌های غیر چاپی

۱. البصائر فی تفسیر آیات الامثال والنظائر (تمام)؛
۲. امثال وحکم المعصومین (جلد ۱)؛
۳. تقریرات درس فقه آیت الله خویی (مکاسب محرمه)؛
۴. تقریرات درس اصول آیت الله خویی (دوره کامل)؛
۵. رساله در اجتهاد و تقلید؛
۶. رساله در احکام الحج (شرح عروة الوثقی)؛
۷. رساله در ربا؛
۸. رساله در «تشبیه و استعاره و مثل»؛
۹. رساله در علم اصول (دوره مختصر)؛
۱۰. رساله در شرح حال زرارۀ بن اعین؛
۱۱. رساله در شرح حال فیض کاشانی؛
۱۲. مناظرات الامام الرضا (جلد ۱)؛
۱۳. الامثال والحکم العلویة (هزار حدیث با شرح آن)؛
۱۴. المختار من کلمات الامام امیرالمؤمنین علیه السلام (۳۰۰۰ حدیث بدون شرح)؛
۱۵. شرح نخستین غزل حافظ: الا یا ایها الساقی ادر کاساً وناولها؛
۱۶. شرح برخی از مواضع: شرح تجرید؛
۱۷. حاشیه بر: شرح لمعه، قوانین، مکاسب، کفایه، شرح منظومه و



قزوینی (۱۳۳۳ - ۱۴۰۶ق) از شاگردان آیات عظام: آقای حکیم، آقای خویی، آقای شاهرودی، میرزا عبدالهادی شیرازی و میرزا باقر زنجانی و در قم از شاگردان آیات عظام: گلپایگانی و نجفی مرعشی و نویسنده کتاب زندگانی چهارده معصوم بوده است.

معظم له، در کودکی به مدرسه علوی ایرانیان رفت و دوران ابتدایی را گذرادی و در سال ۱۳۶۰ق به تحصیل علوم دینی روی آورد. ادبیات، تجوید و تفسیر و معالم را از آقا شیخ محمد تهرانی متوفای (۱۳۸۴ق) - بنیانگذار هیئت قائمیه تهران - و فلسفه و کلام و شرح مطالع را از شیخ صدرا بادکوبه‌ای (متوفای ۱۳۹۴ق) و سطوح را نزد حضرات آیات: شیخ مجتبی لنگرانی (شرح لمعه و بخشی از رسائل و مکاسب)، شیخ احمد اهری (رسائل)، شیخ محمدحسین دهاقانی (قوانین)، سیدعلی بهشتی (شرح لمعه و رسائل) و میرزا حسن باعشی یزدی (کفایه) آموخت و آماده حضور در درس خارج استادان نجف شد.

در سال ۱۳۷۷ق، به دروس آیات عظام: آقای خویی (فقه و اصول و تفسیر)، آقای حکیم، سید عبدالهادی شیرازی و شیخ حسین حلی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت و همزمان با تحصیل، به تدریس سطوح عالی هم پرداخت. در سال ۱۳۹۵ق، از عراق - در اثراخراج ایرانیان از عراق - اخراج شد و نخست به حج الحرام رفت و پس از آن به قم آمد و به تدریس در منزل شخصی و تألیف و تصنیف کتب حدیثی پرداخت.

مرحوم محمدهادی امینی درباره اش می‌نویسد:

«عالم کامل، فاضل جلیل، مؤلف متتبع، پرمطالعه و دارای اطلاعات گسترده، پرهیزگار شایسته متواضع پسندیده ...

طهارت ریاض؛

۱۸. حول بعض المعارف الالهية؛

۱۹. تجارة النبى ﷺ قبل البعثة وتزويجه بخديجة ﷺ؛

۲۰. رسالة فى تحريم الغناء والمعازف والموسيقى؛

۲۱. رسالة فى تحريم القمار والشطرنج والزد؛

۲۲. دروس تهذيبية وتوجيهية؛

۲۳. دروس من كتاب صلاة العروة الوثقى؛

۲۴. دروس من كتاب طهارة العروة الوثقى؛

۲۵. الكتاب والكتابة فى الكتاب والسنة؛

۲۶. تعليقات على مقاصد الرسائل للشيخ الانصارى.

سرانجام آن عالم پرتلاش پس از ۸۴ یا ۸۹ سال زندگی، در روز سه شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۸۹ ش (۸ ربیع الثانی ۱۴۳۲ ق) بدرود حیات گفت و پیکر پاکش پس از تشییع و نماز آیت الله العظمی وحید خراسانی، به نجف اشرف انتقال داده شد و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

## مهندس شهرستانی

استاد دانشمند، دکتر مهندس حاج سید محمد علی شهرستانی، یکی از نام آوران عرصه معماری اسلامی در جهان بود. او در عراق به «شیخ العمارة الاسلامية» مشهور و آثارش در مرقد های مقدس و عتبات عالیات ائمه اطهار (علیهم السلام) نشانگر حسن سلیقه و باقیات صالحات وی است.

آن مرحوم، در سال ۱۹۳۲ م (۱۳۵۰ ق / ۱۳۱۰ ش)، در کربلا، در بیت سیادت و شرافت و علم و فضیلت زاده شد. پدرش مرحوم سلاله الاطیاب حاج سید صالح شهرستانی - بزرگ خاندان شهرستانی - و مادرش صبیبه حاج سید جعفر شهرستانی و خواهر مکرمه دکتر سید حسین شهرستانی، وزیر نفت عراق، از احفاد و نوادگان آیات عظام: میرزای محمد حسین شهرستانی (متوفای ۱۳۱۵)، فرزند آیت الله سید محمد علی مرعشی شهرستانی (متوفای ۱۲۹۰)، فرزند آیت الله سید محمد حسین شهرستانی (متوفای ۱۲۴۶) - داماد آیت الله العظمی سید محمد مهدی شهرستانی (متوفای ۱۲۱۶) - یکی از مهدی اربعه و از برترین شاگردان وحید بهبهانی - بود.

فقید سعید پس از نوجوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت و ادبیات و سطوح عالی را در کربلا از استادان فن فراگرفت و پس از آن، در بغداد، دروس جدید را آموخت. آن گاه به خارج از عراق رفت و درجه دکترای مهندسی را از دانشگاه های انگلیس اخذ کرد و به بغداد بازگشت و با تشکیل شرکتی به کارهای مهندسی پرداخت و در خلال آن در سایر کشورهای عربی و اسلامی هم پروژه هایی را به

دست گرفت که برخی از آنها عبارتند از:

۱. توسعه و تعریض حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در این پروژه، ایشان بدون آنکه آسیبی به گنبد مطهر برسد، دیواری ضخیم را از داخل حرم برداشت و اطراف ضریح مبارک را توسعه داد؛ کاری که مهندسان خارجی هم از عهده آن، بر نیامدند؛

۲. کارخانه سیمان آبیگ قزوین؛

۳. بنای صدها خانه برای زلزله زدگان مناطق خراسان (کاخک خراسان به دستور آیت الله العظمی میلانی؛

۴. ایجاد راه های مواصلاتی مکه - عرفات - منی به دعوت وزارت حج عربستان؛

۵. ایجاد بزرگترین مخزن آبی و کشتارگاه صنعتی و بهداشتی در منی؛

۶. ساخت پل های فلزی متحرک SPAN در برخی کشورها؛

۷. طرح تغییر علمی کاربری جنگل های غیر مفید به مزارع نمونه در اندونزی، مالزی و ساحل عاج و ایجاد کار برای صدها نفر؛

۸. اختراع موتور متحرک دیزلی نفت و ثبت آن در اداره اختراعات انگلیس.

مرحوم دکتر شهرستانی به دلیل این خدمات ارزشمند، به مدال طلا از برخی دانشگاه های آمریکا دست یافت و سازمان یونسکو هم وی را برای ریاست و کارشناسی ارشد معماری اسلامی در جهان انتخاب کرد. آن مرحوم در طول اقامتش در انگلیس، دانشگاه بین المللی علوم اسلامی را در لندن تأسیس کرد و فصلنامه آکادمیک «الجامعة الاسلامية» را به زبان عربی و انگلیسی منتشر ساخت که ده ها نفر از اندیشمندان مسلمان در آن به ارائه مقاله می پرداختند. او خود نیز در کنفرانس های علمی در جهان شرکت می کرد و به ارائه مقاله و ایراد سخنرانی می پرداخت و همه او را به عنوان شخصیتی علمی و فرهنگی می شناختند. همچنین در تهران با همکاری و همفکری برخی از علمای تهران، مانند حضرات آیات: شیخ محمد رضا جعفری، شیخ محمد صادق جعفری و سید محمد نوری - رحمة الله علیهم - مؤسسه جهانی خدمات اسلامی WOFIS را بنا



سرانجام آن معمار نام آشنا در ۸۰ سالگی، در ۱۰ اسفند ۱۳۸۹ ش (۲۵ ربیع الاول ۱۴۳۲ق) در بیمارستان خاتم الانبیاء تهران چشم از جهان فرو بست و پیکر پاکش به کربلا انتقال داده شد و پس از نماز حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالمهدی کربلایی - امام جمعه کربلا و تولیت حرم امام حسین ع - در حجره سادات شهرستانی، کنار باب السدره، به خاک سپرده شد.

## آیت الله دهرخی

آیت الله آقای حاج سید محمود موسوی دهرخی یکی از علما و محدثین مشهور حوزه علمیه قم بود. فقید سعید در نیمه شعبان ۱۳۴۵ق (۱۳۰۵ش)، در روستای «دهسرخ» - از توابع مبارکه اصفهان - زاده شد. پدرش حاج سید مهدی (بن سید اسدالله) دهرخی، از سادات مورد توجه و احترام اهالی روستا بود که از او برای حل مشکلات خود، دعا می گرفتند و او هم به کار وعظ و منبر و کشاورزی اشتغال داشت.

آن مرحوم، در کودکی - ۸ سالگی - پدرش را از دست داد و با سختی و دشواری همراه با مادرش زندگی را ادامه داد و تا ۱۹ سالگی در روستایش ماند. سپس در ۱۳۶۴ق، رهسپار اصفهان شد و در مدرسه کاسه گران، نخست قرآن و سواد فارسی و جامع المقدمات را آموخت و به دست مرحوم حاج سید محمد باقر ابطحی سدهی معمم شد و سیوطی را هم در آنجا فرا گرفت. سپس چند ماهی به قم آمد و در مدرسه مبارکه رضویه ساکن شد. اما عشق به تحصیل در نجف، او را در اواخر سال ۱۳۶۷ق به نجف اشرف کشاند و در کمال جدیت و کوشش در دروس حضرات: شیخ محمد علی مدرس افغانی (مطول)، شیخ احمد زاهد نجفی اصفهانی (شرح نظام)، شیخ محمد حسین موحد حججی (مغنی) حاضر شد و ادبیات عرب را فرا گرفت. سپس در دروس سطوح عالیہ آیات: شهید مدنی و شیخ غلامرضا باقری و شیخ محمد علی سرابی (شرح لمعه)، شیخ مجتبی لنگرانی، میرزا علی غروی تبریزی و شیخ محمد تقی آل راضی (رسائل و مکاسب)، مدرس افغانی (قوانین)، میر سید علی فانی اصفهانی (کفایه)، شیخ محمد فاضل قائینی (شرح تجرید و باب حادی عشر)، شیخ صدرا بادکوبه ای (شرح منظومه)، سید عباس مهری و شیخ محمد باقر ناصری دولت آبادی حاضر شد و سطوح را به خوبی آموخت. آن گاه در دروس خارج آیات عظام: آقای حکیم، آقای خویی (۱۵ سال و دو دوره اصول)، فانی اصفهانی (هفت سال، فقه)، میرزا حسن یزدی (هفت سال، فقه) و کمی هم درس آیت الله آقای سید عبدالهادی شیرازی و آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت و از استادش آیت الله میر سید علی فانی اصفهانی به دریافت اجازه اجتهاد و از حضرات آیات: شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید جواد طباطبایی تبریزی، شیخ محمد طاهر آل شبیر

نهاد که به کارهای انتشاراتی و خدماتی در سراسر جهان و چاپ و ترجمه و انتشار کتب شیعی در سطح بین المللی می پرداخت.

ایشان در زمان رژیم سفاک بعث عراق مورد اذیت و آزار قرار گرفت و به لندن مهاجرت کرد و در آنجا علاوه بر تأسیس «جامعه العلوم الاسلامیه»، در تأسیس مرکز اسلامی اهل بیت با همکاری آقای دکتر سید محمد بحر العلوم و رابطه اهل بیت العالمیه و مؤسسه الامام الخویی الخیریه همکاری و مشارکت فعال داشت و پخش ماهواره ای برنامه های اسلامی از لندن را پایه گذاری و مدیریت می کرد و در سال ۱۴۱۰ق، کنگره بین المللی و جهانی غدیر را در لندن برگزار کرد و در سمت دانشگاه بین المللی علوم اسلامی (ICIS)، سمیناری را با همکاری دانشگاه لندن (Sosa) درباره «تمدن بشری در میان تصور مذهبی و نظریات وضعی» برگزار کرد و پیشنهاد خود را تحت عنوان «بحران تمدن معاصر و برنامه رهایی» مطرح کرد، که مورد توجه دانشمندان غربی قرار گرفت. همچنین او در قیام انتفاضه شعبانیه و قیام شیعیان بر علیه رژیم بعثی، به یاری همه جانبه مردم شتافت و در کمکسانی به آسیب دیدگان، نقش مهمی بر عهده داشت.

پس از سقوط رژیم بعثی عراق در سال ۱۳۸۲ ش / ۲۰۰۳ م، آن مرحوم به عراق بازگشت و با تمام توان به خدمت به مرقدهای مقدسه ائمه اطهار علیهم السلام پرداخت، که عبارتند از:

۱. مسقف نمودن صحن حرم امام حسین علیه السلام و ایجاد صحن دوم در زیر زمین آن؛
۲. ایجاد مراکز رفاهی و بهداشتی در اطراف حرم امیر المؤمنین علیه السلام؛
۳. ایجاد سه شهرک (وزائرسرای بزرگ) در اطراف حرم حسینی؛
۴. توسعه حرم امامین کاظمین با برداشتن ستون ها و اجرای طرح صحن جدید؛
۵. بازسازی اساسی حرم مطهر سامرا به دستور آیت الله العظمی سیستانی پس از تخریب به دست دشمنان دین.

او هر هفته - با وجود خطرات ترور و انفجار، به شهر سامرا مسافرت می کرد و بر تمام مراحل بازسازی حرم مطهر اشرف کامل داشت و تمام خطر ها را به جان می خرید، اما در عزمش خللی پدید نمی آمد.

وی، علاوه بر این کارها - که نامش را در زمره خدمتگزاران به آستان مقدس ائمه اطهار علیهم السلام جاودانه خواهد ساخت - تألیفاتی هم داشت که عبارتند از:

۱. النهضة الحسينية وصلتها بقاعدة اللطف؛
۲. ازمة الحضارة المعاصرة واطروحة الخلاص؛
۳. التصور الاسلامی للتنبؤ بين النظرية والتطبيق؛
۴. السبب في اشتغال القرآن على المتشابهات.



خاقانی، سیدحسین موسوی خراسان و سیدجمال الدین گلپایگانی هم به دریافت اجازه روایت نایل آمد. او در خلال تحصیل، به تدریس سطوح و تألیف کتب متعدد پرداخت. از جمله شاگردانش آقایان: شیخ غدیرعلی ممیز، شیخ موسی قمی، شیخ غلامرضا نجفی، سیدحسین نبوی و شیخ محمود تبار بودند.

وی، در نجف اشرف پس از ترجمه و شرح منیة المرید و آداب المتعلمین، به کار بزرگ و سترگ مفتاح الکتب الاربعه پرداخت. او نخستین کسی بود که در نیم قرن پیش به فکر آسان‌یابی احادیث افتاد و کار کامپیوتر را تنها بر عهده گرفت. او در این کتاب تمام احادیث کتب اربعه شیعه را از نظر گذراند و آنها را بر طبق لغات و روای مرتب ساخت، بدین شکل که اگر کسی راوی حدیث و یا لغتی از حدیث را در نظر داشته باشد، می‌تواند آن را در کتب اربعه به آسانی بیابد. وی در پی اخراج ایرانیان از عراق، در سال ۱۳۵۰ ش به قم آمد و به تدریس و تألیف پرداخت.

او دستی گشاده و سفره‌ای کریمانه داشت. در خانه‌اش هر روز به روی همگان باز بود و نهار و محل استراحت آماده. هر روز خانه‌اش میهمان داشت و اسباب پذیرایی‌اش مهیا بود. زندگی‌اش ساده و قانع و زاهدانه و خلقتش خوش و مجلسش نکو بود. دیدارش مصداق «من یدکرکم الله» بود و سخنش پند و اندرز. خدایش رحمت و با اجداد طاهرینش محشور کند.

آثارش عبارتند از:

#### الف) کتاب‌های چاپی:

۱. مفتاح الکتب الاربعه (۳۸ جلد) که بزرگترین کار او بود و با تقریظ حضرات آیات: خویی و شیخ آقابزرگ تهرانی به چاپ رسید؛
۲. رمز المصیبه فی مقتل من قال: انا قتل العبرة (۳ جلد، مقتل امام حسین، فارسی)؛
۳. معجم الملاحم والفتن (۴ جلد)؛
۴. یاتی علی الناس زمان (۲ جلد، علائم آخر الزمان)؛
۵. کشکول دهرسخی (۲ جلد)؛
۶. ایضاح الطریقه فی الجمع بین کشف الظنون والذریعة (۳ جلد)؛
۷. سراج المبتدئین (ترجمه منیة المرید شهید ثانی)؛
۸. هداية الطالبین (ترجمه آداب المتعلمین)؛
۹. مفاتیح الصححة فی طب النبی والائمة (ترجمه طب النبی وطب الائمة وطب الرضا علیه السلام)؛
۱۰. الجمان الحسان فی احکام القرآن؛
۱۱. رمز الصححة؛
۱۲. رمز الجلی فی طب الوصی؛
۱۳. النساء فی اخبار الفریقین (فارسی)؛
۱۴. النساء فی الاسلام؛

۱۵. حلال مشکلات بین زن و مرد یا گره‌گشای خانواده؛

۱۶. فهرست بحار الانوار (تنظیم بحار چاپ قدیم و جدید)؛

۱۷. خلاصة المفتاح (شیوه زندگی)؛

۱۸. ثواب اعمال حج؛

۱۹. منتخب المناسک (مطابق با فتوای ۹ مرجع)؛

۲۰. ترجمه النساء فی الاسلام (آماده چاپ).

#### ب) کتاب‌های غیر چاپی

۱. تقریرات درس اصول آیت الله خویی؛

۲. تقریرات درس فقه آیت الله فانی؛

۳. هدیه الاخوان (ترجمه و تلخیص خصال و توحید صدوق (مفقود)).

سرانجام آن عالم بزرگوار، در ۸۴ سالگی، در روز یکشنبه ۹ ربیع الاول ۱۴۳۲ق (۲۴ بهمن ۱۳۸۹ش) در اثر سکت و بیماری، چشم از جهان فرو بست و پیکر پاکش روز دوشنبه پس از تشییع باشکوه و نماز آیت الله العظمی وحید خراسانی بر آن، در صحن عتیق حرم حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد.

هم در یزد، از همان اوان نوجوانی و در سن نوزده سالگی با اشرافی که به امور مجله و مطبوعات به دست آورده بود، مدیر داخلی دوره سوم مجله مشهور آینده شد و به قول رهی معیری، در نوشته‌ای از زبان دکتر محمود افشار، همه‌کاره مجله شد: «خدا او را به علی اکبر حسین ببخشد که پسر نیست، یک پارچه جواهر است»<sup>۲</sup>.

او دیپلم «ادبی» داشت و البته فراتر از اینکه رشته درسی اش ادبی بود، از همان ابتدا ذوق سرشاری در راندن قلم بر روی کاغذ از خود نشان داد. قلم در هم‌نوایی سالیان با او، همساز و همسازش شده و به قول معروف، رام دست توانیش بود. در سال ۱۳۲۴ ش با شایسته افشاریه ازدواج کرد، دیپلم ادبی گرفت و نگارش برای سایر مجله‌های مشهور تهران قدیم را در همان سال آغاز کرد. او در دانشگاه تهران، رشته قضایی خواند و در سال ۱۳۲۸ ش از دانشکده حقوق آنجا لیسانس گرفت. عنوان پایان‌نامه اش در این مقطع، اقلیت‌ها در ایران بود. در سال ۱۳۲۹ ش، به پاپمردی دکتر محسن صبا، استادش در دانشکده حقوق تهران، به استخدام کتابخانه آن دانشکده درآمد و توانست به شکل جدی‌تری از خرمن دانش مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه - که سالیانی بود در سمت معاونت کتابخانه دانشکده، افشار جوان را در امر کتابشناسی و نسخه‌شناسی ارشاد می‌کرد - بهره ببرد.

اگر دهه دوم زندگی او به کار مطبوعات، نگارش مطلب برای مجلات و نیز آشنایی با مجله‌نگاران آن ایام سپری شده باشد، دهه سوم بیشتر به کتابشناسی و تجهیز کتابخانه دانشکده حقوق گذشت. کتابخانه‌ای که در خاورمیانه بی‌بدیل بود و البته چند سال قبل و در «همین یادی ما»، در آتش سوخت و جای خاکستر آن نفایس را، میزها و صندلی‌های آن چنانی گرفت. او در پایان این دهه، مردی پخته در اموری چند بود که از او ایرانشناسی شناخته شده برای اهالی این فن ساخت. سیدفرید قاسمی، علاوه بر فعالیت در کتابخانه دانشکده حقوق این مسئولیت‌ها را برای ایرج افشار سی ساله بر شمرده است:

عضو انجمن ایرانشناسی، دبیری گروه ملی کتابشناسی ایران، عضو مؤسس انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو، قائم مقام مدیرعامل بنگاه ترجمه و نشر کتاب، عضو مؤسس و دبیر کلوب / انجمن کتاب، عضو شورای کتابخانه وزارت خارجه، عضو کمیته تشکیل بایگانی کل کشور از طرف کمیسیون ملی یونسکو و نظارت بر انتشارات گروه کتابشناسی ایران و انجمن کتاب<sup>۳</sup>.

او در اواخر دهه چهل به دلایلی، از جمله نامه هشدارآمیز دکتر موسی عمید به او مبنی بر رفتن از کتابخانه دانشکده حقوق به

۲. قاسمی، سید فرید؛ ایرانشناس مجله‌نگار (زندگی و کارنامه مطبوعاتی ایرج افشار)؛ تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا - نشر امروز، ۱۳۸۹، ص ۹.

۳. همان، ص ۱۴.

## استاد ایرج افشار (یزدی)

جواد بشری

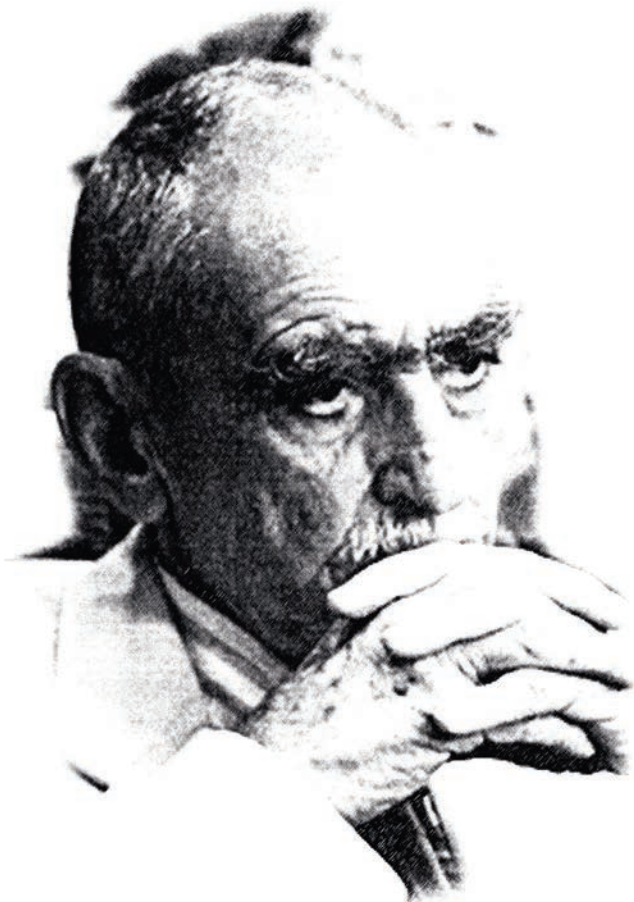
محقق، متفکر، روزنامه‌نگار ایرانشناس بزرگ، زنده یاد ایرج افشار را گو اینکه رویارو کم دیده بودم؛ اما از دیرباز با آثارش آشنا بودم، آنها می‌خواندم و لذت می‌بردم و بر همت بلندش همواره آفرین می‌گفتم. سال‌ها پس از این آشنایی، چون «آینه پژوهش» نشر یافت، آن بزرگوار از مجله استقبال کرد و در نامه‌ای بلند کار را ستود و تأکید کرد که حوزه باید این کار را پنجاه سال پیش انجام می‌داد. او گاه با تلفن، دیگر با نامه و بالاخره اگر دیداری دست می‌داد، «آینه پژوهش» را می‌ستود و راهنمایی می‌کرد و با نامه‌هایی چند، گاه لغزش‌ها را برمی‌نمود که برخی از نامه‌ها را در صفحات مجله منتشر کردیم. به هرحال اکنون که رخ در نقاب خاک کشیده است. به پاس آن همه و اینکه برای ایران حقاً دلسوزی می‌کرد و عالمی بود فرهیخته، پخته و ارجمند و میراثی گرانسنگ داشت، زندگینامه کوتاهی را از وی می‌آوریم و بر شیوه همواره مجله، در این صفحات یادش را گرامی می‌داریم.

### آینه پژوهش

ایرج افشار در ۸۵ سالگی درگذشت. قلب او در سینه‌ای که میراث بان نسل‌های متعددی از محققان بزرگ ایرانشناس بود، سرانجام پس از سپری کردن دوره کوتاهی بیماری در بیمارستان‌های خارجی و داخلی (بیمارستان جم)، در روز چهارشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ و تنها دو هفته مانده به آغاز دهه نود قرن چهاردهم خورشیدی، ساعت دو و نیم بعد از ظهر از ضربان ایستاد و ایران را داغدار خود کرد. بلافاصله پس از درگذشت این خادم به‌واقع بزرگ ایران، کشور لرزه‌ای کرد و این واقعه را در زمانی که هنوز عمق فاجعه به درستی قابل درک نبود، انعکاس خبری داد. همه خبرگزاری‌ها از درگذشت او سخن گفتند. از او بی که سال‌ها بود در منزل شخصی اش، فرهنگ غنی ایران اسلامی را سک - ان داری می‌کرد و حتی بسیاری از خواص نمی‌دانستند ایرج افشار بزرگ زنده است یا نه. ایرج افشاری که تمام کتابخانه‌های کشور دست‌کم، چند ده عنوان از کارهای پرتنوعش را در قفسه‌های خود جا داده‌اند و به هر شکلی حساب کنیم ایران مدیون اوست.

ایرج، فرزند دکتر محمود افشار یزدی، در خاندانی مسلمان و اصیل - از افشارهای یزد - در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۰۴ ش در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن مراحل ابتدایی و دبیرستان در تهران و برای مدت کوتاهی

۱. آینه پژوهش شماره ۱۰۰، ص ۲.



از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ ایرج افشار دبیر ثابت نه دوره «کنگره تحقیقات ایرانی» و همه‌کاره آن بود که هر بار در مرکزی دانشگاهی برگزار می‌شد و ایرانشناسی را در کشور با تحولی شگفت‌انگیز روبرو کرد. این کار و عضویت در چندین مرکز و انجمن فرهنگی، مانع از تحقیقات شخصی‌اش نشد و آمار آن را در پایان سال ۱۳۵۸ (سال بازنشستگی خود خواسته وی از دانشگاه) به بیش از ۱۵۰ جلد کتاب رساند؛ آمارى که به گمانم، شاید از چهل نفر هم که طی ده سال، به شکل مستمر کار فرهنگی کنند، بر نیاید، اما وی به تنهایی این کار را انجام داد. ممکن است بسیاری، کیفیت کارهایی را که آن مرحوم نشر می‌داد در مواجهه با این آمار زیر سوال ببرند یا حداقل راجع به آن با تردید مواجه شوند. در این باره، در مجالی به این کوتاهی نمی‌توان حرف آخر را زد؛ اما بی‌اغراق باید بگویم، اونا بغه تلاش در احیای موارث علمی و فرهنگی پیشینیان بود و در آن واحد به مسائل بسیاری اشراف ذهنی داشت. مراجع پژوهشی را به طرز شگفت‌انگیزی می‌شناخت و با اغلب ایران‌شناسان جهان مرتبط و آثارشان را بررسی کرده بود. آنچه در مقدمه اثری می‌نگاشت، روزآمدترین اطلاعات رشته خود را

دلیل حضور افشار در کنفرانس‌های بین‌المللی، پس از حدود ده سال کار کتابداری در دانشکده مزبور، به کارهای دیگری منسوب شد که در این میان حتی هفت ماه ریاست کتابخانه ملی نیز به چشم می‌خورد. هفت ماه حضوری که تحول‌آفرین بود و بنیان کتابشناسی ملی ایران و نیز فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران در آن گذارده شد.

در سال ۱۳۴۴ او به ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درآمد و این یکی از نقاط برجسته زندگی‌اش یا بهتر بگویم یکی از توفیقات بزرگ کشور برای بهره‌بردن از مدیریت بزرگ‌ترین مدیر فرهنگی ادوار مختلف ایران شد. نشریه نسخه‌های خطی در همین ایام با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه تأسیس شد که بی‌نظیرترین فعالیت در ساماندهی اوضاع نسخه‌های خطی کل کشور در آن سال‌ها و حتی سالیان بعد به شمار می‌آید. مجله کتابداری آغاز به کار کرد و اصلی‌ترین فعالیت کتابخانه مرکزی در خرید نسخه‌های خطی و نیز تهیه میکروفیلم از دستنویس‌های نفیس کتابخانه‌های بزرگ جهان آغاز شد و تا زمانی که افشار حضور داشت این کار با روندی خیره‌کننده دنبال شد. وجود گنجینه نفیس نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی با حدود نه هزار نسخه خطی - در ابتدا فقط کتابخانه مزبور حدود ۱۲۰۰ نسخه اهدایی مرحوم مشکوة را در اختیار داشت که در زمان ریاست افشار به این آمار رسید. پس از او نیز، در حدود سی سال، آمار خرید و اهدایی‌های نسخ خطی از دو هزار و اندی تجاوز نکرد) و نیز حدود شش هزار حلقه میکروفیلم از نفایس نسخه‌های خطی شرقی جهان، مرهون ریاست اوست. اگر کسی به مکاتبات او با کتابخانه‌های بزرگ جهان در خصوص درخواست نسخ خطی دسترسی داشته باشد و آنها را نشر دهد، به وضوح در خواهیم یافت که چه مرارت‌هایی بر او در این خصوص گذشته تا توانسته میکروفیلم بهترین کتاب‌های خطی جهان را - که کتابخانه‌ها به این سادگی عکسی از آنها را هم در اختیار کسی نمی‌گذارند و البته افشار از اعتبارش در این راه بسیار مایه گذاشت - به وطن بیاورد و پایه‌گذار بزرگ‌ترین جریان تصحیح متون کشور در ادوار بعدی شود. این نفایس به حدی فراوان است که هنوز تعداد زیادی از آنها، پس از حدود چهل سال، حتی بررسی هم نشده و در انتظار نگاه تیزبین محققان و مصححان آینده است. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران همان جایی است که در دهه شصت تصدی آن را از افشار گرفتند و به دیگرانی سپردند<sup>۴</sup>.

۴. پس از حدود سه دهه که از آن زمان گذشته بود، چند سال قبل باز پای استاد ایرج افشار به کتابخانه مرکزی باز شد. که این بار برای کارشناسی نسخه‌های خطی و قیمت‌گذاری مواردی بود که هراز چندی برای فروش به کتابخانه عرضه می‌شد. او این کار را که از سوی شاگردان جوانش به وی پیشنهاد شده بود، با دل و جان پذیرفت تا همچنان دین نداشته‌ای را به کتابخانه‌ای که خود پایه‌گذارش بود ادا کند. اسناد این حضور گاه‌گاهی، در کتابخانه مرکزی موجود است که امیدوارم به کوشش متصدیان کاربلد آنجا منتشر شود.

اینک، فهرستی ابتدایی، تنها از «تصحیحات» ایرج افشار که به صورت کتاب نشر یافته و البته این فهرست تا سالیانی بعد قابل افزایش است<sup>۵</sup>:

- فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه؛ محمود بن عثمان؛ تهران: طهوری، ۱۳۳۰، چاپ دوم، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.

- حالات و سخنان ابوسعید؛ تألیف یکی از احفاد او؛ تهران: کتابفروشی دانش، ۱۳۳۱ (از چاپ دوم به بعد، انتشارات فروغی. تصحیح بهتر این کتاب از دکتر شفیعی کدکنی است)

- قندیه و سمریه؛ ابوطاهر سمرقندی و محمد بن عبدالجلیل سمرقندی؛ چاپ‌های نخست این دورساله به شکل مجزا در ۱۳۳۱ (آخرین چاپ: تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری، ۱۳۶۷).

- آغاز و انجام؛ نصیرالدین طوسی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.

- عالم‌آرای عباسی؛ تألیف اسکندریبگ ترکمان؛ مقدمه و فهرست‌ها از ایرج افشار. ۲ ج. تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۴ ش. (چاپ دیگری در همان جا، ۱۳۵۰).

- تاریخ کاشان؛ عبدالرحیم صرّابی کلانتر کاشانی؛ تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۷ (از چاپ دوم به بعد در انتشاراتی‌های دیگر با یادداشت‌های الهیار صالح).

- تاریخ یزد؛ جعفر بن محمد بن جعفری؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸ (و چاپی دیگر در همان جا در ۱۳۴۳).

- مسالک و ممالک؛ ابواسحاق ابراهیم اصطخری؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰ (و دو چاپ دیگر در همان جا و نیز در انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸)

- جامع مفیدی؛ محمد مفید مستوفی بافقی؛ ج ۱ و ۳، تهران: کتابفروشی اسدی، ۱۳۴۰-۱۳۴۳ (و چاپ جدید: تهران، اساطیر).

- اسکندرنامه؛ کالیستنس دروغین؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳ (چاپ جدید: تهران، چشمه، ۱۳۸۷).

- ذخیره خوارزمشاهی؛ اسماعیل بن حسین جرجانی با همکاری

در برداشت و این چیز کمی نبود. در یک بُرش زمانی، هم سرپرستی نشریاتی چند را بر عهده داشت، هم کار مدیریتی می‌کرد، هم تصحیح متون، در چند موضوع متفاوت، هم مقاله علمی می‌نوشت و در همایش‌های بین‌المللی شرکت می‌کرد و هم کار خَلقی را راه می‌انداخت. نبوغ افشار، او را افشار کرد. آینده‌نگر بود و بسیار از زمان خودش جلوتر. به همین دلیل که وقتی مدیریت کتابخانه مرکزی را برای ده سال به دست گرفت، به اندازه سه نسل و شاید برای پنجاه شصت سال کارها را سامان داد تا در آینده، خیال دو سه نسل (از جمله نسل ما) تا حدودی راحت باشد؛ تا زمانی که افشاری دیگر ظهور کند و با نثار جاننش، چند نسلی کار کند و دوباره عقب‌ماندگی‌ها را جبران نماید. این شیوه، شیوه ما در کشوری روبه پیشرفت است که مدیریت فرهنگی ثابتی نداشته و ندارد.

ایرج افشار در ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۲ بیشتر به مجله آینده - دوره پنجم این مجله - پرداخت و کاری را که در راهنمای کتاب انجام می‌داد پی گرفت. شورای نشر کتاب در بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار راه‌اندازی کرد و آن را روز به روز توسعه داد. در دهه شصت و هفتاد، با مراکز بزرگی همکاری کرد که از آن میان می‌توان به مؤسسه مطالعات آسیای مرکزی و غربی دانشگاه کراچی، بنیاد میراث اسلامی «الفرقان» در لندن، دانشنامه ایرانیکا در امریکا، و دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در تهران اشاره کرد. در سال‌های دهه هشتاد، او کارهایی را به انجام رساند که حدس می‌زد پس از وی، زمین بماند. تصحیح متونی را که می‌خواست تمام شود و به دست خواننده برساند اولویت داد و البته پروژه‌های جدیدی در نگارش و تصحیح نیز به دست گرفت. کتابخانه نفیس خود را در همان دهه هفتاد (سال ۱۳۷۸) وقف مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی کرده و در وقفنامه‌اش، کارهای ناتمام خود را برشمرد. او در سال‌های پایانی دهه هفتاد و در تمام دهه هشتاد، علاوه بر سفرهای بسیاری که به نیت شناسایی بهتر جاهای عتیقه کشور کرد و موازیت بسیاری را شناسایی نمود، پیوسته مشغول اتمام کارهای پیشینش بود. به راستی، عاقبت ایرج افشار بخیر شد؛ زیرا در رشته‌هایی که او فعالیت داشت، کمتر کسی در ایام حیاتش موفق می‌شود به هر آنچه مایل است نایل شود. سفر می‌کرد تا هم سلامت روحش را تأمین کند و هم سلامت جسم را. کویر نوردی شجاع، کوه‌پیمایی پر طاقت و طبیعت دوستی ایران شناس بود. همه به نوعی مدیونش بودند و تا ایران‌شناسی زنده است، همچنان هستند: «همگان روند و آیند و تو همچنان که هستی».

نمی‌توان چنان‌که حق او و شایسته اوست، درباره‌اش نوشت. قلم که یاری نمی‌کند هیچ، کسی هم باید بنویسد که در مقام، تا حدودی به او نزدیک باشد که البته من کسی را نمی‌شناسم که به مقام او حتی نزدیک هم شده باشد.

\* \* \*

۵. آن مرحوم پس از نگارش وقفنامه مشهورش که طی آن کتابخانه بی نظیرش را وقف مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در آباد کرد، از چند کتاب مهیای چاپ که نمی‌دانست عمرش به تکمیل آنها برسد یا نه، نام برد. خوشبختانه در اواخر عمر شریفش، علاوه بر نشر چند اثر تازه‌یاب، به چاپ بسیاری از آن موارد نیز توفیق یافت. او در این کار بعضاً شاگردپروری را نیز در دستور کار خود قرار می‌داد و با اعتماد به تنی چند از جوانان ایران دوست و ایران شناس، کارهایی را بدیشان می‌سپرد تا بخشی از امور نشر را آنها به عهده بگیرند. این افتخار در سه کار تصحیحی نصیب بنده نیز شد که یکی از آنها با عنوان اخبار مغولان در انبائه قطب شیرازی توسط کتابخانه مرعشی قم نشر یافت. کتاب دیگر، نزهة العقول عوفی است که عن قریب در بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار چاپ می‌شود. کار سوم که هنوز در مرحله نمونه‌خوانی اولیه قرار دارد و از کارهای قدیم استاد افشار با مرحوم دانش پژوه محسوب می‌شود، انیس الوحده و جلس الخلوه از گلستانه است که پس از نشر مقالاتی کوتاه از این بنده در مجله شهاب، استاد ادامه کار آن را واگذار فرمود تا بی‌گیری باشم و آن را به انجمن نیکورسانم، امیدوارم در سال آینده موفق بدین مهم شوم و یکی از آخرین کارهایی را که از استاد افشار نشر خواهد یافت، به یاری حق به اهالی فرهنگ تقدیم کنم.

- کارنامه و مآذة الحیوة (دورساله در آسپزی از عصر صفوی): تهران: انتشارات سروش، ۱۳۵۹ (چاپ جدیدی از آن در همانجا انجام شده است).

- دورساله عرفانی در عشق؛ احمد غزالی و سیف الدین باخرزی؛ تهران: کتابفروشی منوچهری، ۱۳۵۹ (و چاپ های جدیدی در همان جا).

- مناقب الصوفیه؛ ابومنصور مظفر عبادی؛ با همکاری محمدتقی دانش پژوه؛ تهران: کتابفروشی منوچهری، ۱۳۶۲ (چاپ همزمان دیگری از آن به تصحیح نجیب مایل هروی در انتشارات مولی نشریافت).

- دیوان وثوق (حسن وثوق الدوله)؛ تهران: انتشارات ما، ۱۳۶۳.

- جامع التواریخ حسنی (بخش تیموریان پس از تیمور)؛ تاج الدین حسن بن شهاب یزدی، با همکاری دکتر حسین مدرسی طباطبایی؛ کراچی: مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی، ۱۳۶۶.

- آثار و احیاء (کشاورزی)؛ خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی با همکاری دکتر منوچهر ستوده؛ تهران: دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل، ۱۳۶۷.

- خلاصه السیر؛ تاریخ روزگار شاه صفی؛ محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی؛ تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸.

- عالم آرای شاه طهماسب (زندگی داستانی دومین پادشاه دوره صفوی)؛ تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۰.

- کلیات آثار ادیب قاسمی کرمانی (نیستان، خارستان و ...)؛ کرمان: مرکز کرمان شناسی، ۱۳۷۲.

- ذیل تاریخ گزیده؛ زین الدین قزوینی (بسر مؤلف تاریخ گزیده)؛ تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.

- زنگی نامه؛ مجموعه رساله ها، مقامه و مناظره از محمد بن محمود زنگی بخاری؛ تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۲.

- ممالک و مسالک، ترجمه دیگری از مسالک و ممالک اصطخری در سال ۶۹۶ هجری، ترجمه از محمد بن اسعد بن عبدالله تستری؛ تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.

- بستان العقول فی ترجمان المنقول یا مناظره انسان و حیوان؛ محمدبن محمودبن محمد زنگی بخاری با همکاری محمدتقی دانش پژوه؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.

- مجمل الحکمه، ترجمه کهن فارسی از رسائل اخوان الصفا؛ با همکاری محمدتقی دانش پژوه؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.

- تحفة المحبین؛ سراج شیرازی با همکاری کرامت رعناحسینی؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۶.

- فروغستان، دانشنامه فن استیفا و سیاق؛ محمد مهدی فروغ اصفهانی؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۸.

محمدتقی دانش پژوه؛ ج ۱ و ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۴-۱۳۵۰.

- اوراد الاحباب و فصوص الآداب؛ ابوالمفاخر یحیی باخرزی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵. (و دو چاپ دیگر که آخرین آن توسط دانشگاه تهران در سال های اخیر انجام شده است).

- تاریخ جدید یزد؛ احمد بن حسین کاتب؛ تهران: ابن سینا، ۱۳۴۵ (دو چاپ دیگر توسط امیرکبیر، ۱۳۵۷ و ۱۳۸۶).

- عرائس الجواهر و نفاثات الاطیاب؛ ابوالقاسم کاشانی؛ تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵ (چاپ جدیدی توسط المعی، تهران، ۱۳۸۶).

- خوابگزاری (متن قدیم از قرن ششم)؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ (چاپ جدیدی به همراه التحبیر فی علم التعبیر، توسط المعی، تهران، ۱۳۸۵).

- فرخنامه؛ ابوبکر مطهر جمالی یزدی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۶ (چاپ جدیدی در همان جا، ۱۳۸۶).

- گزیده در اخلاق و تصوف؛ ابونصر طاهر خانقاهی؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷ (چاپ بعدی، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴).

- دیوان کهنه حافظ؛ تهران: ابن سینا، ۱۳۴۸ (چاپ های بعدی در انتشارات امیرکبیر، مکرر).

- نوادر التبادر لثحفة البهادر؛ شمس الدین محمد دنیسری با همکاری محمدتقی دانش پژوه؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ (چاپ جدیدی توسط پژوهشگاه علوم انسانی، و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷).

- انیس الناس؛ تألیف شجاع (در سال ۸۳۰)؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰ (چاپ های بعدی انتشارات علمی و فرهنگی).

- آثار درویش محمد طبسی؛ با همکاری محمدتقی دانش پژوه؛ تهران: خانقاه نعمة اللهی، ۱۳۵۱.

- صیدنه؛ تألیف ابوریحان بیرونی؛ ترجمه ابوبکر بن علی بن عثمان کاشانی با همکاری دکتر منوچهر ستوده؛ ج ۱، تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲. چاپ دو جلدی (متن کامل) در تهران: سازمان ملی خدمات اجتماعی، ۱۳۵۸ (چاپ جدیدی توسط دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷).

- التحبیر فی علم التعبیر؛ تألیف فخرالدین رازی؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴ (چاپ جدیدی توسط المعی که مشخصاتش گذشت).

- الوقیة الرشیدیه (وقفنامه ربع رشیدی)؛ تألیف رشیدالدین فضل الله همدانی، با همکاری مجتبی مینوی و برای قسمت آذربایجان با همکاری عبدالعلی کارنگ؛ تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۷.

- خطای نامه (شرح مسافرت در چین)؛ علی اکبر خطائی؛ تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷ (چاپ جدیدی از آن به پیوست سفرنامه های چین، تهران: مؤسسه مطالعات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲).

- انوار المرشديه و اسرار الصمدیه؛ (همراه چاپ دوم فردوس المرشديه که در ابتدا وصف آن گذشت)، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.



شصت جلد کتاب تصحیحی از منابع مرتبط با تاریخ عصر قاجار و پهلوی نیز در کارنامه او وجود دارد که یک آمار شگفت‌انگیز است. از بیان این موارد به دلیل نبود مجال خودداری می‌شود.

دل بستگی او به یزد باعث شد، بهترین و جدی‌ترین کارها را راجع به این شهر پرمطلب انجام دهد و یادگارهای یزد را - که مرجع بی‌نظیری در این شاخه از پژوهش‌های ایران‌شناسی است - در سه جلد تألیف کند. کارهای دیگری نیز از وی در این زمینه موجود است. فعالیت دیگر او، مطالعات کتابداری و کتابشناسی بود که در این زمینه، در غرب دوره‌های جدی دیده بود و سال‌ها بدن دل بسته بود. شاید علاقه ایرج افشار به تصحیح متون هم از تعلق خاطرش به نسخه خطی شکل گرفته باشد. در حوزه نسخه‌شناسی، کتابشناسی و کتابداری کیست که نداند او صاحب آثار زیر است:

- فهرست مقالات فارسی؛ ۷ ج در ۸ مجلد (جلد ۷ در دو مجلد به کوشش خانم ایران‌ناز کاشیان و زیر نظر ایرج افشار).

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس؛ جلد‌های ۱۱ تا ۱۶، با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه، احمد منزوی و علی‌نقی منزوی.

- فهرست‌نامه کتابشناسی‌های ایران.

- کتابشناسی فردوسی؛ که پس از دو ویرایش، ویرایش سوم آن با اضافات بسیار زیر چاپ است.

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک؛ با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه، احمد منزوی و محمدباقر حجتی، ۱۳۰۳.

- فهرست‌واره کتابخانه مینوی؛ با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه.

- فهرست دست‌نویس‌های فارسی در کتابخانه ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش در وین، که به عنوان اثر برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شناخته شد.

مجموعه‌ای از کتاب‌های یادنامه‌ای که به کوشش او و احیانا دیگران نشر شد و نیز چندین جلد کتاب که به همت او به شکل نسخه برگردان / عکسی / فاکسیمیله درست است که از تلاش بسیار او حکایت می‌کند. مجموعه یادنامه‌هایی که او نشر داد، علاقه‌اش را به ارج نهادن فعالیت بزرگان پیشکسوت و نیز هم‌نسلانش نشان می‌دهد. علاقه او به علامه قزوینی البته در این میان شهره خاص و عام است. بیشتر یادداشت‌های قزوینی را سال‌ها قبل در ده جلد توسط دانشگاه تهران چاپ کرد. این همان مجموعه‌ای است که یک بار در پنج مجلد بزرگ افست شد تا بالاخره دانشگاه تهران به فکر تجدید طبعش افتاد و آن ده جلد را در پنج مجلد و با مقدمه‌ای تازه از ایرج افشار عرضه کرد. یادداشت‌های چاپ‌نشده قزوینی را هم پس از سال‌ها وقفه، سرانجام در چهار جلد با عنوان مسائل پارسیه به چاپ فرستاد که یک جلد آن چند سال قبل نشر یافت و سه جلد

- المختارات من الرسائل؛ با همکاری غلامرضا طاهر و فهرست‌های مریم میرشمسی؛ تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸.

- سعادت‌نامه یا روزنامه غزوات هندوستان؛ غیاث‌الدین علی یزدی؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۹.

- گلبدن‌نامه، گلبدن بانو دختر بابر و خواهر همایون؛ تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۸۳.

- جواهرنامه نظامی؛ محمدبن ابی‌البرکات جوهری نیشابوری با همکاری محمدرسول دریاگشت؛ میراث مکتوب، ۱۳۸۳.

- قصه حسین کرد شبستری بر اساس روایت ناشناخته موسوم به حسین‌نامه؛ با همکاری مهران افشاری؛ تهران: چشمه، ۱۳۸۵.

- ریاض الفردوس خانی؛ محمد میرک‌بن مسعود حسینی منشی با همکاری فرشته صرافان؛ بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۵.

- دفتر اشعار صوفی؛ تألیف صوفی محمد هروی؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶.

- منظومات؛ شرف‌الدین علی یزدی؛ ثریا؛ ۱۳۸۶.

- هفت کشور و سفرهای ابن تراب (متنی پیشینه در اخلاق و سیاست برگرده داستان)؛ [بعدا مشخص شد که همان هفت کشور فخری هروی است]، با همکاری مهران افشاری؛ تهران: چشمه، ۱۳۸۶.

- معرفت فلاحت؛ عبدالعلی بیرجندی؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۷.

- منشآت؛ شرف‌الدین علی یزدی با همکاری محمد رضا ابوبئی مهریزی؛ تهران: ثریا، ۱۳۸۸.

- دستورالجمهور فی مناقب سلطان‌العارفین ابویزید طیفور؛ احمدبن الحسین بن‌الشیخ الخرقانی با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه؛ تهران: میراث مکتوب - انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۸.

- تواریخ شیخ اویس، نسخه یگانه در کتابخانه دانشگاه لیدن؛ ابی‌بکر قطبی اهری نجم؛ تبریز: ستوده، ۱۳۸۹.

- اسناد معماری ایران، دفتر دوم، کتابچه املاک اینجوری فارس؛ با همکاری عمادالدین شیخ‌الحکمایی؛ تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران - مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن» - دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر، ۱۳۸۹.

\* \* \*

این، تنها فهرستی از متونی بود که ایرج افشار از کارهای قدما تصحیح و منتشر کرده بود. علاوه بر اینها حدود ۱۲۰ کتابچه و رساله از آثار متقدم / کلاسیک به همت او نشر شده که حجمی کمتر از کتاب دارد و طبق تعریف عرفی، «رساله» محسوب می‌شود. بسیاری از این موارد در کتاب‌های مجموعه‌ای و یا مطبوعات و تعدادی نیز به شکل جزوهای مجزا منتشر شده است. حدود

دیگر به زودی منتشر می‌شود. علاقه‌ او به سیدحسن تقی‌زاده، مجتبی‌ مینوی، سعید نفیسی و دکتر مصدق نیز باعث شد کارهایی به نیت پاسداشت نام و احیای آثار ایشان انجام دهد.

باز هم هست. فعالیت دیگر ایرج افشار، با این همه کاری که کرده و الحق بیش از طاقت بشری است، کار مطبوعات است. تهیه‌ مجله‌ها و نشریه‌های آینده از سال پنجم به بعد، فرهنگ ایران زمین در سی شماره (به شکل گروهی، به غیر از جلد سی ام)، راهنمای کتاب، نسخه‌های خطی (با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه) و کتابداری (که تأسیس‌کننده آن بود) از فعالیت حرفه‌ای او در این زمینه حکایت دارد. نشر این نشریات توسط او در سال‌های اخیر یک باره متوقف نشد، بلکه در قالب کتاب و به شکل مجموعه مقالاتی با عنوان نامواره دکتر محمود افشار و بعدها با نام پژوهشهای ایران‌شناسی عرضه شد. آخرین مجلد این مجموعه (جلد ۲۰)، آفرین‌نامه (ارج‌نامه مرحوم دکتر محمدمامین ریاحی) نام دارد که در آخرین لحظات حیات استاد در بیمارستان جم منتشر شد.

انصاف را که از برشمردن این موارد، بیمناک شدم که مبادا موردی جا افتاده باشد که حتما افتاده است. از طرفی خستگی بر من چیره شد؛ حال آنکه از چند صد مقاله‌ای که از ایرج افشار در حدود ۶۵ سال گذشته، در منابع متعدد لائتعد و لائتحصی منتشر شده، هنوز هیچ نگفته‌ام. حق است این سخن که او در عمرش، یک‌تنه به مثابه یک وزارت‌خانه تلاش علمی کرد. فهرستی از چاپ‌کرده‌هایش را فرزندان آن مرحوم هشت سال قبل در چاپخانه پرنیت آپ در لس‌آنجلس با عنوان «فهرست موضوعی از چاپ‌کرده‌ها و نوشته‌های ایرج افشار» منتشر کردند که کم‌وبیش در کتابخانه‌های بزرگ کشور یافت می‌شود. بررسی‌نامه استاد فرید قاسمی در خصوص فعالیت‌های مجله‌نگارانه آن مرحوم با عنوان ایران‌شناس مجله‌نگار هم که در سطور پیشین بدان ارجاع داده شد از منابع خوبی است که درباره استاد بی‌بدیل عرصه ایران‌شناسی، شادروان ایرج افشار در دسترس است و باید راجع به سایر وجوه شخصیت و فعالیت‌های او نیز کارهایی به همین شکل صورت گیرد. در پایان باید یادآور این نکته شد که ایرج افشار پس از انقلاب اسلامی، ایران را ترک نکرد، ماند و به عشق ایران اسلامی کارهای ماندگاری کرد و از هیچ اتهام نابجایی نهراسید. باید ارج گذارد فعالیت‌های او را که در عمر محدود انسانی، به مقدار انسان‌هایی که در چند قرن فعالیت و خدمت کنند، کارها کرد و الحق برای فرهنگ ایران اسلامی پدری نمود. او، نور چشم پدرش، مادرش، همسرش، فرزندان، بستگانش، شاگردانش، همه ایرانیان، ایران‌دوستان و کشورش ایران بود.

۶. این فهرست راهنما، چند بار روزآمد شده که من دو ویرایش آن را دیده‌ام.